

یادداشت

سیل اعتراضات معیشتی و اقتصادی از راه می رسد

صادق کار



ناتوانی دولت و رژیم در مهار رشد شتابان تورم و قیمتها که اکثریت مردم را از تامین نیازهای اولیه زندگی محروم کرده است و بی اطمینانی از بهبود اوضاع با وجود رژیم حاکم عواملی هستند که به نوبه خود در سیل آسا شدن اعتراضات نقش دارند. اعتراضات زحمتکشان گرچه از سایر گروههای اجتماعی بیشتر و نقش اصلی را در مرحله کنونی بازی خواهد کرد، اما دامنه ی اعتراضات اقتصادی محدود به آنها نیست و از کسبه و دکانداران خرد و متوسط تا صاحبان واحدهای تولیدی و موسسات خدماتی بسیاری را در بر می گردد. به واقع ما علاوه بر نارضایتی اعت

اعتراضات و اعتصاب های کارگری که برای مدت کوتاهی افت کرده بود در هفته های اخیر به نحو بارزی گسترش پیدا کرده و اگر با آهنگ هفته های اخیر ادامه پیدا کند که احتمالش نظر به وضعیت بسیار بد معیشتی و ترمز پاره کردن قیمتها بالاست، می رود تا به سیلی خروشان تبدیل شود.

اعتراضات بسیار متنوع و گسترده هستند و از کارگران واحدهای تولیدی تا کارکنان شرکتهای خدماتی، کارکنان دولت و بازنشستگان را شامل می شود. انگیزه و محرک اصلی همه این اعتراضات از اعتراض وسیع معلمان بازنشسته تامین اجتماعی و بازنشستگان ماشین سازی، تراکتور سازی و موتوژن و بازنشستگان هفت تپه و خوزستانی تا کارگران رسمی نفت و پتروشیمی خمینی و... اقتصادی و معیشتی و همچنین نارضایتی و اعتراض به سرکوب معترضین شرکت کننده در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی است. هم از این رو زمینه گسترش و تداوم آن از هر جهت مهیاتر از گذشته می باشد.



ناتوانی دولت و رژیم در مهار رشد شتابان تورم و قیمتها که اکثریت مردم را از تامین نیازهای اولیه زندگی محروم کرده است و بی اطمینانی از بهبود اوضاع با وجود رژیم حاکم عواملی هستند که به نوبه خود در سیل آسا شدن اعتراضات نقش دارند. اعتراضات زحمتکشان گرچه از سایر گروه‌های اجتماعی بیشتر و نقش اصلی را در مرحله کنونی بازی خواهد کرد، اما دامنه‌ی اعتراضات اقتصادی محدود به آنها نیست و از کسبه و دکانداران خرد و متوسط تا صاحبان واحدهای تولیدی و موسسات خدماتی بسیاری را در بر می‌گردد. به واقع ما علاوه بر نارضایتی اعتراضی سیاسی و اجتماعی گسترده با نارضایتی اقتصادی عمومی بی سابقه و پیچیده‌ای نیز در کشور مواجه ایم که روز به روز ابعاد وسیعتری به خود می‌گیرد. طرح‌های اقتصادی ناکارآمد رژیم برای کاهش فشارهای خرد کننده اقتصادی و معیشتی نیز به بحران دامن می‌زند و به نارضایتی بیشتر اقشار و طبقات جامعه منجر می‌شود. بسیاری از رسانه‌های داخلی به رغم سانسور و سرکوب و بازداشت تعدادی از روزنامه نگاران بخشی از نارضایتی‌ها و اعتراضات را منعکس و از قول اقتصاد خوانده‌های مختلف گوشه‌هایی از سیاستهای اقتصادی فاجعه بار رژیم را نقد و بی اعتبار و علل آن را افشا می‌کنند. در واقع هم به واسطه حضور جنبش انقلابی جاری و هم وجود نارضایتی‌های اعتراضی به رغم ادامه سرکوبهای وحشیانه نوعی به هم ریختگی و بلبشو در حکومت و جامعه بوجود آمده که به گروه‌های اجتماعی مختلف فرصت اعتراض و اعتصاب صنفی و اقتصادی را می‌دهد.

افزایش ۲۰ درصدی به حقوق کارکنان دولت با وجود نرخ رسمی تورم ۴۶،۳ درصدی که کمتر از نرخ واقعی است آنهم در شرایطی که نرخ تورم مواد غذایی ۶۸ درصد است و تعیین سقف ۷ میلیون حقوق برای کارکنان حداقل بگیر و ۶،۳ میلیون برای بازنشستگان با وجود افزایش سبد هزینه‌های خانوار به ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومان در واقع به منزله کاهش حقوق‌ها و راندن آنها به زیر خط مطلق فقر است. در مورد کارگران نیز به نظر نمی‌رسد افزایش اسمی دستمزدها چندان متفاوت باشد. بی دلیل نیست که بعد از اعلام "افزایش ۲۰ درصدی به حقوق کارمندان اعتراضات گسترده‌ای در دوهفته اخیر به راه افتاد و کارگران بخش دولتی پیشاپیش به مخالفت علنی به آن پرداختند. علت گسترده بودن اعتراضات باز نشستگان نیز دلیل دیگری جزء انفجار خشم آنان از حقوق ۶،۳ میلیونی ندارد.

با این همه اعتراضات گسترده کارگران و مزد و حقوق بگیران چنانکه خوب هماهنگ و سازماندهی شده باشد و از طرف جنبش انقلابی موجود به موقع و موثر حمایت شود هم در سرنوشت جنبش و هم دستمزد و حقوق‌ها نقش مهمی خواهد داشت.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!



تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش اول
کار و درآمد در کشورهای در حال توسعه
جرمی سیکینگز



امروزه کشاورزان در سراسر جهان با افزایش رقابت، هزینه های بالای مواد اولیه و قیمت پائین محصولات شان "در دم دروازه های مزرعه" مواجه اند. طبیعاً واکنش آنان در برابر این فشارها متفاوت است. برای غالب کشاورزان تجاری بزرگ افزایش

در بسیاری از کشورهای "جنوب" - اصطلاحی که امروزه برای کشورهای "در حال توسعه" جهان مرسوم شده است - فقر گسترده با بیکاری و بی زمینی ارتباط تنگاتنگی دارد. برای مقابله با این نوع فقر، دو برنامه، گاه به عنوان مکمل و گاه به عنوان بدیل، پیشنهاد شده اند: یکی برنامه تضمین اشتغال (یا کار برای همه) و دیگری پرداخت نقدی به افراد بی درآمد یا کم درآمد. در قیاسی کلی، ایجاد شغل با دستمزد حداقل برای همه کسانی که می توانند و می خواهند کار کنند، گزینه ارجح، هم برای

"توضیح "جنگ کارگری"

برای کاهش نابرابری اقتصادی فزاینده در چارچوب نظام سرمایه داری، دو ایده، گاه در تکمیل یکدیگر و گاه در برابر هم، در میان نیروهای عدالتخواه در سطح ملی و بین المللی، بیشترین مدافعان را دارند: تضمین کار یا به (basic/minimum income guarantee) و تضمین درآمد پایه یا حداقل (Job guarantee) اشتغال. اختصار بسیار و محدود به اساس این دو ایده، تضمین اشتغال به معنای عرضه کار بدون محدودیت زمانی برای هر آن کس است که می تواند و می خواهد کار کند؛ و تضمین درآمد پایه به معنای تأمین درآمد معینی جهت رفع نیازهای اساسی برای تک تک شهروندان است.

صرف نظر از مقاومت سیاسی و گاه اجتماعی که علیه هر دو ایده وجود دارد، قابل تصور است که چه در محافل آکادمیک و چه در میان احزاب و کنشگران سیاسی عدالتخواه حول امتیازات و محدودیتهای این یا آن ایده نسبت به دیگری، مباحث آموزنده ای جاری اند که تحزب برنامه ای نیروهای چپ در ایران می تواند از آنها بهره بسیار گیرد؛ مباحثی که از پرداختن صرف در سطح انتزاعی به این ایده ها فراتر می روند، دست به قیاس انضمامی بین دو ایده می زنند و تناسب و تحقق پذیری هر یک را برای شرایط مشخص کشور خاص برمی رهند.



نوشته حاضر نمونه ای از این دست مباحث است که موضوع مرکزی آن وابستگی و تناسب این یا آن ایده به درجات رشد طبقه کارگر و در نتیجه سطح دستمزدهاست. جرمی سیکینگز، نویسنده مطلب، مدرس و محقق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کپ تاون آفریقای جنوبی است و چنان که خود می گوید: "عمده فعالیت من بر آفریقای جنوبی متمرکز شده است، از جمله بر قشریندی اجتماعی و نابرابریها، ... کاهش فقر و ایجاد دولت رفاه. کار فعلی من بیشتر شرق و جنوب آفریقا را پوشش می دهد و بر سیاست های عمومی با تاکید بر کاهش فقر و حمایت اجتماعی تمرکز دارد".

چکیده

در بسیاری از کشورهای "جنوب" - اصطلاحی که امروزه برای کشورهای "در حال توسعه" جهان مرسوم شده است - فقر گسترده با بیکاری و بی زمینی ارتباط تنگاتنگی دارد. برای مقابله با این نوع فقر، دو برنامه، گاه به عنوان مکمل و گاه به عنوان بدیل، پیشنهاد شده اند: یکی برنامه تضمین اشتغال (یا کار برای همه) و دیگری پرداخت نقدی به افراد بی درآمد یا کم درآمد. در قیاسی کلی، ایجاد شغل با دستمزد حداقل برای همه کسانی که می توانند و می خواهند کار کنند، گزینه ارجح، هم برای سیاستگذاران و هم برای شهروندان به نظر می رسد. اما برخلاف این گزینه ارجح، در آفریقای جنوبی پرداخت نقدی در چارچوب برنامه ای برای تضمین حداقل درآمد، ممکن است از نظر سیاسی پایدارتر و از نظر کاهش فقر مؤثرتر و گسترده تر باشد.

این مقاله به بررسی معضلات و انتخابهای پیشروی آفریقای جنوبی می پردازد، که در حال حاضر به میزانی غیرعادی، هم "بیکاری روستائی" (ناشی از ترک روستاها و فعالیت کشاورزی) و هم "بیکاری شهری" را تجربه می کند. دوام و کارایی نسبی برنامه های تضمین اشتغال و تضمین درآمد پایه در درجه اول به سطح دستمزدهای مرسوم در "بازار" بستگی دارد. در یک اقتصاد با دستمزد بالا مانند آفریقای جنوبی، در نگاهی کلی کار سازمانیافته از قدرت سیاسی کافی برای جلوگیری از ایجاد اشتغال با دستمزد حداقل در چارچوب برنامه های ناظر بر "ایجاد کار برای همه" برخوردار است. در آفریقای جنوبی، برخلاف موقعیتی که در کشورهای کم دستمزد مانند هند یا ایتوپیا حاکم است، رویکرد تضمین درآمد پایه برای همه می تواند برنامه ای پایدارتر از تضمین اشتغال باشد؛ البته [مسئله فقط قدرت کار سازمانیافته برای جلوگیری از ایجاد اشتغال با دستمزد حداقل نیست] و در این باره نیز نباید موانع سیاسی را دست کم گرفت.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!

دیوار بلند حاشا نزد مقامات رژیم

صادق



انکار نداشتن جمعیت زیر خط مطلق و فقر نسبی حاکی از نگاه عدالت ستیزانه دولت رئیسی و رژیم جمهوری اسلامی و تلاشی است برای کاهش بیشتر سطح زندگی مردم عادی و افزودن بر ثروت ثروتمندترین های جامعه

در بحبوحه بحث تعیین دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان دولت و در شرایطی که شمار افراد زیر خط فقر دم به دم بیشتر می شود، "سید صولت مرتضوی باباحیدری" وزیر مولتی ملیاردر تعاون، رفاه و کار که ظرف مدت کوتاهی بواسطه سوء استفاده مالی از نهادهایی که مدیریت آنها را به عهده داشته از فرش به عرش رسیده است وجود فقر مطلق در کشور را به کلی انکار و گفته است هیچکس زیر خط مطلق فقر نیست

این ادعای دروغ البته بی ارتباط با بحث تعیین دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان دولت نیست. او قبل از این نیز با طرح منطقه‌ای کردن دستمزد و قرار دادن تشریفاتی آن در دستور کار شورای عالی کار، تلاش ویژه‌ای را برای کاهش دستمزدهای زیر خط فقر شروع کرده بود که با مخالفت‌های بسیاری از کارگران روبرو شده است

تلاش برای تغییر ته مانده قوانین رفاهی و افزایش سن بازنشستگی از اقدامات دیگری هستند که در دوره وزارت صولتی با جدیت دنبال شده است



انکار نداشتن جمعیت زیر خط مطلق و فقر نسبی حاکی از نگاه عدالت ستیزانه دولت رئیسی و رژیم جمهوری اسلامی و تلاشی است برای کاهش بیشتر سطح زندگی مردم عادی و افزودن بر ثروت ثروتمندترین های جامعه

نگاهی به واقع بر آمده از تفکر کمیته امدادی و موتلفه‌ای و انجمن حجتیه‌ای که در رژیم تسلط دارد. در واقع جمعیت ۷۰ میلیونی زیر خط فقر مطلق و فقر نسبی و افزایش فزاینده شکاف طبقاتی و بی عدالتی عمدتاً بواسطه تسلط این جریان‌هاست که علاوه بر حرص و طمع مال اندوزی به هر قیمت و جنایتی فاقد شعور سیاسی حکومت کردن هم هست و نمی فهمد که تحمل مردم بی حد و حصر نیست

اینها از همان بدو انقلاب با قوانین حمایتی و نظام تامین اجتماعی به شدت مخالفت می کردند. الگو و بدیل آنها به جای نهاد تامین اجتماعی کمیته امداد بود اما بواسطه رشد جامعه و جا باز کردن تامین اجتماعی در جامعه و حمایت قوانین حمایتی تلاش کردند به صورت گام به گام قانون کار و تامین اجتماعی را از میان تهی کنند

البته مقاومت در مقابل این حرکت به رغم سرکوبهای بی وقفه و جنایتکارانه کم نبوده با این حال متأسفانه آنها موفق شده‌اند سیاستهای ارتجاعی و عدالت ستیزانه خود را با آهنگ کندتری پیس ببرند. در دولت رئیسی این تلاشها شدت گرفته است. غرض از این تلاشهای عدالت ستیزانه و ضد مردمی محروم کردن مردم از حمایت تامین اجتماعی و مجبور کردن آنان به کارکردن با دستمزد ناچیز است. است

دیوار حاشای خود رئیسی در انکار واقعیت های دردناکی که نتیجه سیاستهای رژیم هستند از بقیه وزرا بلندتر است. ادعای کاهش تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و آمارهای کاذبی که وی از آنها ارایه می دهد آنقدر بی پایه و اساس هستند که از طرف مردم و رسانه‌های بسیاری رد و به سخره گرفته می شود و بر نفرت مردم از رژیم می افزاید

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه‌ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

تشکلهای حکومتی و انتظار نابجا از وزارت کار

صادق



انجمن صنفی کارگران ساختمانی جا دارد بجای التماس و درخواست و گلایه بی نتیجه از دخالت‌های مداوم و مخرب وزارت کار خود را از وابستگی و اسارت به آن خلاص کند و استقلال خود را به دست آورد

اختلاف بر سر رهبری تشکلهای وابسته در میان انجمن‌های صنفی اخیرا بالا گرفته و شعبه سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار که در واقع نهادی امنیتی برای نظارت و کنترل بر تشکلهای کارگری با امتناع از برسمیت شناختن نتیجه انتخابات انجمن‌های صنفی ساختمانی عملا جلوی فعالیت آنان را گرفته است.

تشکلهای سندیکایی مطابق مقوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار مجاز به تشکیل و فعالیت هستند و مقامات و نهادها دولتی و کارفرمایی حق دخالت در امور آنها را ندارند

با این وصف اما دولتها ۹۰ سال است که از اجرای مقوله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار امتناع ورزیده و در امور تشکلهای کارگری دخالت و تشکلهای و اتحادیه‌های کارگری مستقل و فعالین آنها را سرکوب می‌کنند. مقررات، اساسنامه و آئین نامه داخلی تشکلهای کارگری توسط نهادهای دولتی مطابق میل دولت و کارفرمایان نوشته می‌شود و کارگران در تنظیم آنها نقشی ندارند

در این کشور تنها به تشکلهای سازماندهی شده توسط وزارت کار و نهادهای امنیتی که مطابق درخواست و منافع دولت و کارفرمایان فعالیت کنند اجازه فعالیت رسمی می‌دهند و مقررات ناظر بر تشکیل و فعالیت تشکلهای رسمی به قدری سختگیرانه است که مانع از هر فعالیتی خارج از خواست کارفرمایان و دولتها می‌شود.

علاوه بر مقررات قانونی سختگیرانه این نوع تشکلهای نیز همواره زیر نظارت نهادهای امنیتی قرار می‌گیرند که نتوانند خارج از حیطه‌ای که برای فعالیتشان در نظر گرفته شده عمل کنند. هر گاه نیز بین اعضای تشکلهای وابسته اختلافی بر سر به دست گرفتن رهبری پیش بیاید تصمیم‌نهایی را شعبه سازمانهای کارگری و کارفرمایی خواهد گرفت



در سالهای بعد از انقلاب با وجود اینکه در قانون کار مصوب سال ۶۹ به سه نوع تشکل "شورای اسلامی، انجمن های صنفی و نمایندگی کارگری" در واحدهای متوسط به پایین داده شده است، با این حال تا زمان احمدی نژاد بیشتر به شوراهای اسلامی اجازه فعالیت داده می شد. رهبری و هدایت شوراهای اسلامی و خانه کارگر در دست حزب کارگزاران سازندگی بود و احمدی نژاد که میانه خوبی با طرفداران رفسنجانی نداشت تصمیم گرفت با تشکیل انجمن های صنفی از بالا تشکل جناحی خاص خود را بوجود آورد و شوراهای اسلامی تحت نفوذ رقبا سیاسی خود را با کمک آنها از میدان بدر کند.

بعد از تشکیل انجمن ها رقابت سختی بین این دو تشکل رقیب بر سر اشغال جایگاه در نهاد های وابسته به زیر مجموعه های وزارت کار، مانند امین اجتماعی و غیره شروع شد که تا انتصاب علی ربیعی به سمت وزیر کار ادامه پیدا کرد. علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی که اختلاف بین تشکلهای حکومتی را ناصواب می دانست با بازتقسیم موقعیت های دولتی بین سرکردگان هر دو تشکل به اختلافات آنان پایان داد.

بر خلاف شوراهای اسلامی در میان انجمن های صنفی تعدادی پیدا شدند که تلاش کردند از دولت اندکی فاصله بگیرند و مبنای مراودات شان با وزارت کار و دولت را بر اساس رفتار آنها تنظیم کنند اما همانطور که انتظار می رفت با موانع مدیران سازمانهای کارگری و کار فرمایی مواجه شدند و موفق به این کار نشدند. امتناع وزارت کار از تأیید نتیجه انتخابات مجمع عمومی انجمن های صنفی کارگران ساختمانی که دو ماه پیش انجام شد نمونه ای از دخالت آشکار وزارت کار حتی در امور داخلی تشکلهای حکومت ساخته است. قبل از این نیز این وزارتخانه با امتناع از به رسمیت شناختن انجمن روزنامه نگاران، دخالت مستقیم در تشکیل شورای اسلامی کارکنان شرکت واحد، امتناع از به رسمیت شناختن فعالیت سندیکاهای مستقل هفت تپه و واحد و تشکیل صوری چند انجمن صنفی وابسته در تعدادی از شرکتهای نفتی و پتروشیمی دخالت خود را نشان داده بود.

به گزارش ایلنا در پنجم بهمن سید رضا هاشمی (رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی خوزستان) ضمن انتقاد از عملکرد وزارت کار: "با اشاره به برگزاری انتخابات کانون عالی کارگران در ۲۸ دی ماه گفت: این انتخابات با مداخله وزارت کار و بازنشستگی که قبلا در این کانون سمت داشتند، به شکل صوری برگزار و به اکثر نماینده های کارگری کشور از تمامی صنوف بی احترامی شد. و افزود ... همچنین تقریباً دو ماه قبل، انتخابات کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی سراسر کشور در تهران برگزار شد. این انتخابات با حضور ۴ نماینده از وزارت کار با رأی ۳۳۹ انجمن از سراسر کشور به تأیید هیئت رئیسه مجمع رسید. با این وجود تاکنون وزارت گواهی ثبت کانون را صادر نکرده و قصد انحلال کانون کشوری را دارد".

هنوز به روشنی علت رفتار دخالتگرانه وزارت کار و امتناع از تأیید نتیجه مجمع عمومی انجمن کارگران ساختمانی معلوم نیست اما حدس می توان زد که این دخالت به واسطه ظرفیت اعتراضی شکل گرفته در میان کارگران ساختمانی بر سر بیمه آنها باشد که در این اواخر اعتراض زیادی را برانگیخته و رهبران این انجمن ها را بر آن داشته با نمایندگان دولت و مجلس درگیر شوند. وزارت کار برای اینکه به قضیه خاتمه بدهد. و جلوگیری از فعالیت تشکل مذکور از به رسمیت شناختن انتخابات انجمن های صنفی کارگران ساختمانی امتناع می کند. به عبارتی خیال کرده با پاک کردن صورت مسئله گویا می تواند مشکل بیمه کارگران ساختمانی را منتفی و به اعتراض آنها پایان دهد! انجمن صنفی کارگران ساختمانی جا دارد بجای التماس و درخواست و گلایه بی نتیجه از دخالت های مداوم و مخرب وزارت کار خود را از وابستگی و اسارت به آن خلاص کند و استقلال خود را به دست آورد.

کمیته های اعتصاب را در کارخانه و اداره تشکیل دهیم!



دیدار جمعی از معلمان، فعالین صنفی، مدنی، بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی با خانواده آقای دکتر مدنی سعید مدنی آزاد باید گردد
اتحاد بازنشستگان



وخیم شدن شرایط جسمانی کارگر زندانی داود رضوی
داود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که در ۵ مهرماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در بند ۲۴۰ وزارت اطلاعات نگهداری میشد، پس از مدت ها انفرادی و بازجویی های طولانی در شرایط بد زندان اوین ۸ کیلو کاهش وزن پیدا کرد، و او را پس از اتمام بازجویی به زندان تهران بزرگ انتقال دادند و طی این مدتی که آنجاست دچار مشکلات داخلی (خونریزی معده) شده و احتیاج شدید به مراقبت های درمانی در خارج از زندان را دارد.
سندیکای کارگران شرکت واحد



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به اخراج معلم فرهیخته عاتکه رجبی، حکم سنگین و ظالمانه سارا سیاهپور و ادامه بازداشت غیر قانونی آقایان محمود ملاکی و مسعود فرهیخته

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان
وقتی که شعله‌ی ظلم
غنچه‌ی لب‌های تو را سوخت
چشمانِ سرد من

درهای کور و فروبسته‌ی شبستانِ عتیق درد بود
عاتکه رجبی - سارا سیاهپور - محمود ملاکی - مسعود فرهیخته
! به نام خداوند رنگین کمان

:معلمان و دانش آموزان آزاده و ملت حق طلب ایران

علی رغم همه هشدارها و زیان‌های خسارت آور سیاست‌های مبتنی بر تبعیض و بی عدالتی، خفه کردن صداها و محروم کردن کنشگران و فعالان صنفی و مدنی از حقوق قانونی، همچنان حاکمان ایران تصور می‌کنند تغییر رویکردها راه حل مناسبی برای کاستن نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها نیست بلکه تداوم و گسترش سرکوب و سیاست رعب می‌تواند اوضاع را به زعم آنان قابل کنترل نماید. این سیاست که اوج بی تدبیری است، گرچه رضایت خلق را محلی از اعراب برای حکمرانی نمی‌بیند، اما خطای راهبردی این است که حتی نمی‌تواند این نکته بدیهی را دریابد کنترل جامعه و نظم آهنین مورد نظر حاکمان نیز هرگز با این شیوه به دست آمدنی نیست. متأسفانه حاکمیت و دستگاه قضایی با توسل به این نگاه و ایجاد هراس در معلمان، اخیراً خانم عاتکه رجبی را از آموزش و پرورش اخراج و خانم سارا سیاهپور را به حبس طولانی ۶ ساله محکوم نموده است. محمود ملاکی علیرغم داشتن پرونده باز و در حالی که قرار بود ۲۹ آذر دادگاه او برگزار شود، سه روز جلوتر دستگیر و بدون اتهام مشخص بازداشت شد و با وجود اتمام یک ماه بازداشت موقت، برای یک ماه دیگر قرار بازداشتش تمدید شد. بازداشت مسعود فرهیخته از ۱۲ آذر و بلاتکلیفی او نیز حکایت از این است حضرات بنا را برای بقا، بر ادامه ظلم جُسته‌اند و هیچ قانونی حتی قوانین مدون خود را بر نمی‌تابند، اتهامات جعلی که به کنشگران صنفی و مدنی نسبت می‌دهند، هرگز مورد قبول جامعه حقوقی کشور نبوده و تحت فشار ضابطان و نیروهای خارج از قوه قضاییه، فعالان صنفی و مدنی احکام سنگین می‌گیرند...



طرح فروش اموال دولت مایه‌ی فساد است

حسین راغفر

انتقادهای از طرح دولت جمهوری اسلامی برای فروش اموال دولتی در میان نمایندگان مجلس، کارشناسان اقتصادی و فعالان سیاسی افزایش یافته. این طرح «مایه یک فساد» است «در این شرایط کشور که متقاضی برای خرید اموال دولتی وجود ندارد، آقایان می‌خواهند این دارایی‌ها را به ثمن بخت به «چه کسانی واگذار کنند؟ این هیأت هفت نفره‌ای که برای فروش این اموال تعیین شده، «اساساً مشخص نیست این هفت نفر با این سطح از اختیارات در هیأت واگذاری نماینده چه گروه‌هایی هستند و منافع کدام گروه ذی‌نفوذی را دنبال می‌کنند» او با تأکید بر فساد مالی در جمهوری اسلامی افزود که این هفت نفر «چه صلاحیتی برای واگذاری اموال و قیمت‌گذاری را دارند و اساساً این اموال را به چه کسانی به فروش می‌رسانند و مهم اینکه به چه کسی «پاسخگو خواهند بود؟ شیوه فروش اموال دولتی در جمهوری اسلامی عامل گسترش فساد است و «معادله و فرمولی در فساد وجود دارد اینکه فساد مساوی است با انحصار به علاوه با صلاحدید و منهای پاسخگویی که مجموع این معادله به فساد می‌رسد و همانطور که دیده می‌شود مصوبه "مولدسازی" هم خمیر مایه یک فساد است.»



حمایت کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از اعتصابات انگلیس

جنبش جهانی اتحادیه کارگری محکم در کنار کنگره ملی کارگران انگلیس و تمام کارگرانی که با تهدید از دست دادن این اساسی‌ترین حقوق مواجه هستند، می‌ایستد. قانون ضد اعتصاب یک قانون ضد کارگری است و باید متوقف شود.



ادامه اعتراضات در فرانسه علیه افزایش دوره بازنشستگی از ۶۲ سال به ۶۴ سال

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>